إضاءات نقدية (فصلية محكّمة)
السنة الأولى ـ العدد الثالث ـ خريف ١٣٩٠ش / أيلول ٢٠١١م

دراسة الترجمات التفسيرية الفارسية للقرآن الكريم ونقدها

علی حاجی خانی*

الملخص

إنّ الترجمة التفسيرية هی الترجمة التی لاتهتمّ بالنصّ الأصلی اهتمام الترجمة الحرفية الشديد به، الأمر الذی يؤدّی إلی وصف النصّ المترجم بشكل ناقص لايحقق المطابقة المطلوبة معه. يتعرض هذا المقال لدراسة الترجمات التفسيرية للقرآن الكريم ونقدها حيث يتناول هذه الترجمات فی بعض الآيات القرآنية المنتخبة علی أساس المحاور التالية: ١. مطابقة الترجمة مع النصّ القرآنی. ٢. الحذف والتقدير فی الترجمة. ٣. ترجمة أدوات التؤكيد. ۴. مسألة توحيد الترجمة.

الكلمات الدليلية: القرآن الكريم. الترجمات التفسيرية. مطابقة الترجمة. الإضافات التفسيرية.

---

*. عضو هيئة التدريس بجامعة تربيت مدرس
التنقيح والمراجعة اللغوية: د.مهدی ناصری
Hajikhan1347@yahoo.com
تاريخ الوصول: ١٣٩٠/٧/١۴هـ. ش
تاريخ القبول: ١٣٩٠/٧/٢٧هـ. ش

المقدمة

تختلف الترجمات الفارسية للقرآن الكريم باختلاف المنهج الذى يعتمده المترجم، فمن نافلة القول أنّ معظم الترجمات الفارسية للقرآن الكريم قديما وحديثا تعوّل على النصّ القرآنى بحيث يهتمّ أصحاب هذه الترجمات بالنصّ وترتيب الكلمات والعبارات كما هى فى اللغة المترجم منها. ولكن ليس هذا المنهج هو المنهج الوحيد للترجمات الفارسية للقرآن الكريم بل هناک نجد بعض الترجمات الفارسية للمصحف الشريف التى تعتمد على منهج آخر وهو منهج الترجمات التفسيرية. يحاول المترجم فى هذا المنهج لإيصال الفكرة دون الاهتمام بالعبارة، فيتصرف بها كما يشاء أو يقتضيه الحال؛ فلا يهتمّ المترجم فى هذا المنهج بالنصّ والعبارات فى اللغة المترجم منها بل ربما أخذ الفكرة من لغة الأصل ليطرحها بأسلوبه فى اللغة المترجم إليها، فيهتمّ أصحاب هذا المنهج بالفكرة دون مراعاة اللغة المترجم منها من حيث ترتيب المفردات والجمل، فيتجاوز المترجم فى هذا المنهج القيود والحدود التى تؤخذ فى الترجمة الحرفية والوفية إذ يسعى لنقل الفكرة دون ملاحظة الألفاظ، فيتصرف بالنصّ كما يراه مناسبا فى اللغة المترجم إليها.

فيما يلى ترد أسماء الترجمات التفسيرية للقرآن الكريم باللغة الفارسية – أى الترجمات الحرّة والمعنوية – وهى: ترجمة الأساتذة: مهدى الهى قمشه اى، على رضايى اصفهانى، ميرزا خسروانى، سيد على نقى فيض الإسلام، عبد المجيد صادق نوبرى، محمود ياسرى، على مشكينى، محمد صفوى، وطاهره صفار زاده.

دراسة الترجمات التفسيرية

يمكن دراسة خصائص هذه الترجمات فى المحاور التالية:

١. عدم المطابقة مع النص القرآنى.

٢. الحذف والتقدير فى الترجمة.

٣. ترجمة أدوات التؤكيد.

۴. توحيد الترجمة.

١. عدم المطابقة مع النصّ القرآنی:

إنّ الترجمات التفسيرية لاتمتلک درجة عالية من المطابقة مع النصّ القرآنی إذ أنّها تعوّل على فهم المترجم للآيات، فإنّ المترجم فی هذا المنهج لايتقيد الا بالمعنى المتضمن فی النصّ فكأنه يقرأ النصّ الأصلی ثم ينقله بأسلوبه الخاصّ دون أن يأخذ بعين الاعتبار الالتزام بالنصّ القرآنی. فيقول نيومارک فی هذا السياق: «تعيد الترجمة الحرّة إنتاج المحتوى دون الأسلوب، أو المضمون دون الشكل للأصل، وتكون عادة إعادة صياغة أطول من الأصل، ما يسمّى (ترجمة ضِملُغوية/ضمن اللغة)، وهی غالبا إسهاب طنان ورنان، وليست ترجمة على الإطلاق.» (نيومارک، ۲۰۰۶م: ۶۸)

ولكی يتبين لنا بوضوح هذه الخصيصة لدى أصحاب الترجمات التفسيرية ومدى التزامهم بالنصّ القرآنی نقارن ترجمتهم مع بعض الترجمات غير التفسيرية: ﴿**والتِّينِ والزَّيتُونِ**﴾ (التين: ١)

من الترجمات المطابقة للنص:

سوگند به انجير وزيتون. (حلبی، ۱۳۸۰ش) سوگند به انجير وزيتون! (رضايی اصفهانی، ۱۳۸۳ش) سوگند به انجير وزيتون (آيتی، ۱۳۷۴ش) سوگند به انجير وزيتون. (انصاريان، ۱۳۸۳ش)

ومن الترجمات التفسيرية:

سوگند به **آن کوه** انجير وزيتون **(سرزمين دمشق وبيت المقدس) آن جا که خاستگاه پيامبرانی بسيار بود** (صفوی، ۱۳۸۵ش) سوگند به انجير **ودرخت آن** وزيتون **ودرخت آن وبه دوکوه تين وزيتون در دمشق وبيت المقدس** (مشکينی، ۱۳۸۱ش) سوگند بانجير **(که ميوه بی‌هسته وبسيار سودمند است)** وسوگند بزيتون **(که هم ميوه است وهم نان خورش، واز آن روغنی بدست ميآيد که آن را با طعام وخوراک ميخورند.** (فيض الإسلام، ۱۳۷۸ش)

﴿وطُورِ سِينِينَ﴾ **(التين: ٢)**

من الترجمات المطابقة للنصّ:

وسوگند به کوه سینا. (مجتبوی،۱۳۷۱ش) وسوگند به طور سینین (مکارم الشیرازی، ۱۳۷۳ش) وطور سینا. (فولادوند، ۱۳۸۴ش)

ومن الترجمات التفسيرية:

وسوگند به کوه سینا، **آن جا که خدا با موسی سخن گفت.** (صفوی، ۱۳۸۵ش) وسوگند به کوه سینا (**کوهی که خدا با موسی در آن سخن گفت وتورات را بر قلب اودر یک قیام ممتد سه روزه از راه گوشش فروفرستاد**). (مشکینی، ۱۳۸۱ش) وسوگند بطور وکوه سینین (**که نام موضعی است، وحضرت موسی «علی نبینا وآله وعلیه السّلام» در آن کوه برسالت وپیغمبری مبعوث وبرانگیخته شد.**) (فیض الاسلام، ۱۳۷۸ش) وقسم به طور سینا **که مقام مناجات موسی بن عمران است.** (یاسری، ۱۴۱۵ق)

﴿و هَذا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾ (التين: ۳)

الترجمات المطابقة للنص:

واین شهر امن [وامان]، (فولادوند، ۱۳۸۴ش) سوگند به این شهر ایمن، (آیتی، ۱۳۷۴ش) وبه این شهر امن. (أنصاريان، ۱۳۸۳ش)

الترجمات التفسيرية:

وسوگند باین شهر (**مکّه معظّمه**) که جای امن وآسودگی است (**وخاتم الانبیاء صلّی الله علیه وآله در آنجا برسالت مبعوث گردید.**) (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش) وقسم به همین شهر مکه **که مردم در اینجا باید از هر جهت در امان بوده به همدیگر اذیت وآزار نرسانند.** (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) وسوگند باین شهر امن (**که در جاهلیّت واسلام هر ترسانی در آن در امان بوده است وامین یعنی مؤمن که هر کس داخل آن شود در امان است.**) (خسروی، ۱۳۹۰ش) وسوگند به این شهر امن **وامنیّت بخش مکّه.** (صفار زاده، ۱۳۸۰ش)

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْانسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (التين: ۴)

من الترجمات الوفية لهذه الآية:

که بیگمان ما انسان را در بهترین صورتی آفریدیم. (رهنما، ۱۳۴۶ش) همانا ما آدمی را به نیکوترین صورت بیافریدیم. (بروجردی، ۱۳۶۶ش) که به راستی ما انسان را به نیکوترین ساختار آفریدیم. (بهرام پور، ۱۳۸۳ش)

من الترجمات التفسيرية:

هر آینه آفریدیم ما انسان را در بهترین ترکیبی **که در میان جانداران با استقامت قامت، وتناسب صورت است.** (یاسری، ۱۴۱۵ق) **حقیقتا به قدرت کامله خودمان** انسان را به قد وقامت خوب وحسن صورت آفریدیم **به علم وکمال وعقل وفراست وفهم وشعور او را از سایر حیوانات تمیز دادیم هیچ حیوانی به شکل انسان ویا صورتی بهتر از انسان خلق نکردیم باید انسان به این نعمت‌ها شاکر شده با تحصیل صفات نیکوعلم وکمال باطن خود را آراسته کرده حقیقتا انسان باشد.** (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق)

که به یقین ما انسان را در بهترین اعتدال واستقامت **(در جسم وروان)** آفریدیم. **(قامت مستقیم، اعضاء متناسب، بشره ظاهر، مغز متفکر، روح قابل فضایل دادیم).** (مشکینی) که ما انسان را در نیکوترین قوام آفریدیم **تا بتواند در نزد خدایش به نیکبختی جاودانه دست یابد.** (صفوی، ۱۳۸۵ش)

يلاحظ أنّ الفريق الأول من المترجمين يمتنعون عن تفسير الآيات إذ يسعون لعدم إدخال التفسير العلمی أو الفلسفی أو الكلامی فی ترجمتهم، فمن هنا تقترب ترجمتهم من النصّ القرآنی. أما الفريق الثانی – أصحاب الترجمات التفسيرية – فإنهم يستفيدون كثيرا من التفسير فی ترجمتهم، الأمر الذی يقودنا إلى اعتبار هذه الترجمات ترجمات تفسيرية، فليست ترجمة أصحاب هذا المنهج ترجمة مطابقة للقرآن الكريم إذ أنّ الإضافات التفسيرية والإيضاحات تتخلل ترجمتهم للآيات الشريفة بحيث قد تتحول

الترجمة عندهم إلى عنديات المترجم؛ ولإثبات هذه الخصيصة فى ترجمة أصحاب هذا المنهج فقد ميزنا الإضافات التفسيرية والإيضاحات بالأحرف المطبعية الغامقة.

﴿ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسفَلَ سَافِلِينَ﴾ (التين: ۵)

من الترجمات المطابقة للنصّ:

سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگرداندیم (مكارم الشيرازي، ۱۳۷۳ش) آنگاه وى را پست ترين پست شدگان كرديم (پاينده، لاتا) آن گاه اورا به پايين‌ترين مرحله برگرداندیم. (پور جوادى، ۱۴۱۴ق)

ومن الترجمات التفسيرية لهذه الآية:

وبازگردانیم ما او را در زیرترین زیرینهای طبقات دوزخ **با زشت‌ترین قیافه وهیئت.** (یاسری، ۱۴۱۵ق)

سپس **[چون كفر وناسپاسى وفساد پيشه كرد]** او را به پست‌ترین طبقات **جهنّم** انداختیم. (صفار زاده، ۱۳۸۰ش) سپس اورا **چون از مسير فطرت خارج شد، به جايگاهى پست** كه از جايگاه همه فرومايگان اهل عذاب پست تر بود بازگرداندیم. (صفوى، ۱۳۸۵ش) سپس **(به كيفر كفر وگناهش)** به اسفل سافلين **(جهنم وپست‌ترين رتبه امكان)** برگردانیدیم. (الهى قمشه اى، ۱۳۷۵ش) سپس او را به پايين‌ترين مرتبه فروتران بازگرداندیم **(از نظر مادى به حالت ضعف جسمى وفكرى، واز نظر معنوى پس از اتمام حجت به حالت جهل وشقاوت رساندیم.)** (مشكينى، ۱۳۸۱ش)

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُواْ وعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيرُ مَمنُونٍ﴾ (التين: ۶)

من الترجمات المطابقة مع النص:

مگر آنهایی را كه ايمان آورده وكارهاى شايسته كرده كه براى آنان پاداشى بى‌منّت است. (أرفع، ۱۳۸۱ش) اگر آنان كه ايمان آورده‌اند وكارهاى شايسته كرده‌اند كه پاداشى بى‌پايان دارند. (آيتى، ۱۳۷۴ش) مگر كسانى كه ايمان آورده واعمال صالح انجام داده‌اند

که برای آنها پاداشی تمام نشدنی است! (مکارم الشیرازی، ۱۳۷۳ش)

ومن الترجمات التفسيرية:

مگر آن کسانی که ایمان آوردند ودر دنیا کارهای شایسته کردند، برای ایشان مزدی است پیوسته وناگسسته **که بهشت جاوید است در آن خواهد بود** (یاسری، ۱۴۱۵ق) مگر کسانیکه ایمان آوردند **(وتصدیق بوحدانیت خدا نمودند)** وکارهای شایسته کردند **(یعنی اعمال صالحه را با خلوص در عبادت کرده وخالصا لوجه الله هر عملی را نمودند)** برای این چنین کسان مزدی بی‌منّت **یا مزدی قطع نشدنی وابدی است** (خسروی، ۱۳۹۰ش) مگر آنان که **به خدا** ایمان آورده ونیکوکار شدند **که به آنها پاداش دائمی عطا کردیم** (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) مگر آن اشخاصی **(از نوع بشر)** که ایمان آورده **وموحد گشته** اعمال نیکو انجام داده **تحصیل علم وکمال ومعرفت نموده ودارای اوصاف حسنه باشند، آنها حقیقتا انسان محسوب گشته به قرب جوار ما داخل می‌شوند ما هم اینها را از اشخاص مقرب به خودمان محسوب می‌کنیم ولذا** برای آنها اجر وثواب غیر منقطع حاضر ومهیا شده است. (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق)

﴿فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ﴾ (التين: ۷)

من الترجمات التی محورها النص:

پس چیست که ترا بتکذیب جزا وا میدارد؟ (پاینده، لاتا) پس چه چیز، تورا بعد [از این] به تکذیب جزا وامی‌دارد؟ (فولادوند، ۱۳۸۴)

من الترجمات التفسيرية لهذه الآية:

پس چه چیز تورا وادار نماید **ای انسان!** بر تکذیب روز قیامت **وانکار حشر وعودت، بعد از ظهور دلایل واضحه بر روز جزا؟** (یاسری، ۱۴۱۵ق) **(ای انسان)** بعد از این **(حجّتها ودلایل)** چه چیز ترا واداشته است که جزاء وحساب را تکذیب بکنی

ودرست نپنداری– وچه باعث شده که تودر صورت خود وجوانی خود وپیری خویشتن تفکر کنی وعبرت بگیری وبگوئی آنکس که این کارها را کرده است قادر است که مرا دوباره برانگیزد وحساب مرا بکشد ومرا بعملم مجازات کند. (خسروی، ۱۳۹۰ش) (یا محمد) بعد از ذکر چنین دلایل وبراهین به مردم برای ثبوت حقانیت توکیست که تو را تکذیب کرده وقول تو را قبول نکند؟ باید هر شخص عاقل قبول کند با این همه منکرینی هستند لیکن به چنین مردم اعتنا منما. (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) ای انسان! چه چیز تورا با وجود این آگاهی وهشدار، به تکذیب روز قیامت وامیدارد؟ (صفار زاده، ۱۳۸۰ش) اینک ای انسان، پس از دانستن این حقیقت چه چیز تورا وا می دارد که روز جزا را دروغ شمری؟ (صفوی، ۱۳۸۵ش)

﴿أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحاكِمِين﴾ (التین: ۸)

من الترجمات المطابقة للنص:

آیا خدا بهترین داوران نیست؟ (أنصاریان، ۱۳۸۳ش) آیا خدا داورترین داوران نیست؟ (حلبی، ۱۳۸۰ش)

من الترجمات التفسیریة:

آیا خداوند محکم کارترین محکم کاران نیست؟ یعنی باید معترف شد به این که اودر صنایع وکارهای خویش استوار است وخلل واضطرابی در هیچ عمل اونیست پس چگونه این خلایق را مهمل رها می‌کند ومجازات نمیکند؟ (خسروی، ۱۳۹۰ش) (یا محمد) آیا خداوند تعالی از تمام حکم کنندگان بیشتر به حق وعدالت حکم کننده نیست؟ البته چنین است بنا بر این بین تووتکذیب کنندگان به حق وعدالت حکم کرده آنها را ذلیل خواهد کرد منتظر آن روز باش. (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) مگر خداوند در داوری اش از همه داوران برتر نیست؟ پس چگونه می پنداری که روز جزایی مقرر نکرده است تا هر کس به سزای کردار خویش رسد. (صفوی، ۱۳۸۵ش) آیا خدا

مقتدرترين وعادل ترين عالم نيست؟ **(البته هست)**. (الهی قمشه ای، ١٣٧٥ش)

مما يلفت النظر إليه فی الترجمات الآنفة الذكر أنّ ترجمة الفريق الأول – پاينده، مكارم، آيتی و... – هی من ترجمات الجملة بالجملة، أی الترجمات التی تتركز على النصّ فإنها متوافقة ومتطابقة مع النصّ القرآنی من حيث ترتيب الآيات وكذلک ترجمة المفردات والمصطلحات. ولذلک قد بلغت ترجمتهم أعلى مراتب القرب من النصّ القرآنی، أما فيما يخصّ بالفريق الثانی فإنّ طريقة ترجمتهم للقرآن الكريم هی الطريقة المعنوية للنقل من لغة إلى لغة أخرى وهی أنّ المترجم يقرأ الآية كلها قبل أن يبدأ الترجمة، حتى يستطيع أن يعرف قصد المؤلف (مراد الشارع) ونوع ألفاظه وصورة تراكيبه. فإذا قام المترجم ليبدأ عمله، قرأ كل آية بصورة كاملة، ثم أدارها فی ذهنه حتى يوقن أنه قد فهم معناها ومرماها. بعدئذ يختار لها الألفاظ التی تعبّر عن مراد الله لا عن تراكيب النصّ فقط، فلا يهتمّ أصحاب هذا المنهج بالنصّ القرآنی كثيرا، بل إنهم يسعون لإيصال الفكرة دون الاهتمام بالعبارة. فيستنتج مما تقدّم أنّ هذه الترجمات هی من الترجمات التی لا تمتلک درجة عالية من المطابقة مع النصّ الأصلی إذ أنّ المترجم فی هذا المنهج يسعى لنقل معنى النصّ الأصلی عامة ولايهمّه نقل البناء اللغوی للأصل، أو نسيجه اللغوی، أو شكله.

٢. الحذف والتقدير فی الترجمة:

إنّ الحذف أمر شائع فی اللغة العربية عامة وفی الآيات القرآنية خاصة، فلغة القرآن الكريم هی لغة الإيجاز. ويكون الحذف فی القرآن الكريم فی جواب القسم، وجواب لو، ولولا، ولما، وأما، وإذا و...، والمبتدأ والخبر، والمضاف والمضاف إليه، والمفعول به و... إلخ. يكون الحذف إمّا للاختصار وإمّا للتجنب عن عبث و... إلخ وذلک إذا دلّت عليه قرينة بحيث يصبح المحذوف كالمتعين الذی تتوق إليه النفس أول وهلة، كما نجد ذلک فی قوله تعالى: ﴿فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عجُوزٌ عَقِيم﴾ (الذاريات: ٢٩) أی أنا عجوز عقيم، إذ دلّت قرينة واضحة على حذف المسندإليه. ويورث هذا الحذف الكلام قوّة

وشدّة أسر.

یسعی أصحاب الترجمات التفسیریة لترجمة المحذوفات فی الآیات القرآنیة وذلک لأنّ المترجم فی هذه الطریقة من الترجمة لا یتقید الا بالمعنی المتضمن فی النصّ. ولإثبات ذلک نذکر الأمثلة التالیة:

﴿أَفَمَن زُیِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَءَاهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ یُضِلُّ مَن یَشَاءُ ویَهدِی مَن یَشَاءُ﴾ (فاطر: ۸)

پس آیا آنکس که عمل زشت اودر نظرش موجّه وپسندیده جلوه داده شده **همانند کسی است که از توجیه فریب آمیز شیطان می‌گریزد** وبه **راه راست قدم می‌گذارد وبر آن اساس رفتارش سنجیده می شود؟** خداوند هر کس را لایق نداند از نعمت هدایت خود محروم می‌فرماید وهر کس را لایق بداند به راه راست هدایت می‌فرماید... (صفار زاده، ۱۳۸۰ش)

آیا کسی که زینت داده شده از برای او بدی کردارش، وهوای نفس کار بد را در نظرش جلوه داد که آن کار بد را خوب دید **مثل کسی است که چنین نباشد ومطیع هوای نفس خود نشود؟!...** (یاسری، ۱۴۱۵ق) (یا محمد) آن کسی که برای او (نفس اماره‌اش) عمل قبیحش را زینت داده آن را عمل نیکو دیده ترک نکند **آیا این شخص مانند آن کسی است که تابع خواهش نفس نشده، عمل قبیح در نظر او مزین نگشته بد را بد، خوب را خوب ببیند، آیا این دو با هم برابر می‌شوند؟** (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) آیا آن کس که کردار زشتش به چشم زیبا جلوه داده شده و(از خود پسندی) آن را نیکوبیند (**مانند مرد حقیقت بین ونیکوکردار است**)؟... (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) پس آیا آن کسی که عمل ناپسندش برای او آراسته شده وآن را زیبا می بیند **همچون کسی است که کردار ناپسند را بد می داند؟!...** (صفوی، ۱۳۸۵ش) آیا کسی که کردار زشت ورفتار ناپسندش برای او آرایش یافته وآنرا خوب وپسندیده می‌پندارد (**مانند کسی است که دانای بحسن وقبح اعمال است وکردار زشت در نظر او ناپسند است؟**) حقا که خداوند هر کس را که... (خسروی، ۱۳۹۰ش) پس آیا کسی که عمل‌های زشتش برای

او آراسته شده وآنها را زیبا دیده (**مانند مؤمن حقیقت بین است؟ هرگز چنین نیست**)... (مشکینی، ۱۳۸۱ش)

یبدو أنّ کلمة (من) کما قاله صاحب الجدول فی إعراب القرآن «اسم موصول فی محلّ رفع مبتدأ، والخبر محذوف تقدیره کمن هداه الله» (صافی، ۱۴۱۸ق، ج۲۲: ۲۵۳) فیلاحظ أنّ المترجمین قدّروا الخبر المحذوف حسب ذوقهم وفهمهم للآیة.

﴿**کلاَّ لَو تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْیَقِین**﴾ (التکاثر: ۵)

اگر می‌توانستید با یقین کامل آخرت را ادراک کنید [**از سرگرمیها وافتخارات باطل دست می کشیدید**]. (صفار زاده، ۱۳۸۰ش) حقّا که شما بعلم یقین میدانستید (که مطلب چیست وآخر وعاقبت تکاثر کدام است؟) **علم شما شما را از تفاخر وتباهی بعزّت وکثرت باز میداشت**. (خسروی، ۱۳۹۰ش) نه چنین است، حقا اگر به طور یقین می دانستید (**چه حادثه بزرگی در پیش دارید هرگز به بازی دنیا از عالم آخرت غافل نمی‌شدید**). (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) البته فخر ومباهات را ترک کنید اگر شما به علم یقین به عاقبت امرتان دانا می‌شدید **هر آینه شما را فخر ومباهات به تکثیر مال از یاد خدا مشغول نمی‌کرد، امور نیک از شما صادر می‌شد** لیکن ضلالت وجهالت شما را از عالم انسانیت خارج نموده است. (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) ... اگر (آنچه را در پیش دارید) بدانید دانستن از روی یقین وباور (که شکّ ودودلی در آن راه نداشته) **هر آینه آن دانستن شما را از غیر آن (که تکاثر وتفاخر ببسیاری دارایی وکسان است) باز میدارد**. (ناگفته نماند: جواب شرط که لشغلکم ذلک عن غیره است، چنان که ترجمه شد حذف گشته، وآیه لترونّ الجحیم جواب شرط نیست، زیرا دیدن دوزخ حتما روی خواهد آورد و مشروط بشرطی نمیباشد.) (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش) اگر بدانید دانستن یقینی، (یاسری، ۱۴۱۵ق) هرگز چنین نکنید، که اگر به علم یقینی دست یابید (صفوی، ۱۳۸۵ش) چنین نیست اگر (حقیقت امر را) به علم الیقین (علم غیر قابل تشکیک) می‌دانستید، (مشکینی، ۱۳۸۱ش)

من الجدیرذکره فی الآیة الآنفة الذکر أنّ «قوله: ﴿لَوتَعلَمُونَ عِلْمَ الْیَقِینِ﴾ جواب لو

محذوف والتقدير لو تعلمون الأمر علم اليقين لشغلكم ما تعلمون عن التباهی والتفاخر بالكثرة.» (الطباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲۰: ۳۵۲) فيلاحظ أنّ الأساتذة صفارزاده، وخسروی، والهی، ونوبری، وفيض الإسلام التفتوا إلی هذا الأمر بحيث ذكروا جواب لو المحذوف فی ترجمتهم بأشكال مختلفة ميزناها بالأحرف المطبعية الغامقة؛ وذلک فی حين أنّ السادة ياسری وصفوی ومشكينی لم يذكروا هذا المحذوف فی ترجماتهم فذلک يبين أنهم لايهتمون كثيرا بذكر المحذوف أثناء الترجمة التفسيرية للقرآن الكريم.

﴿صُمٌّ بُكْمٌ عُميٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ﴾ (البقرة: ۱۸)

الترجمة الحرفية للآية المذكورة:

كرانند گنگانند كورانند پس باز نمی‌گردند (معزی، ۱۳۷۲ش) و...

الترجمة التفسيرية للآية السابقة:

اينان كه ايمان نمی‌آورند گويا كر وگنگ وكورند، كه گفتار حق نشنوند وسخن حق نگويند، ودر آثار وآيات خدا ننگرند پس ايشان بر نمی‌گردند از عادات ذميمه خود (ياسری، ۱۴۱۵ق) **آنها** كر وگنگ وكورند و(از ضلالت خود) بر نمی گردند. (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) **آن منافقين** از شنيدن حق كر واز حرف حق زدن لال واز ديدن حق كور هستند. آن منافقين از نفاق وضلالت به سوی حق وهدايت باز نمی گردند. (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) **آنان** كر ولال وكورند؛ نه توان شنيدن حق را دارند ونه بر باز گفتن آن توانا هستند ونه می توانند نشانه های حق را بنگرند؛ از اين روواز گمراهی خود باز نخواهند گشت. (صفوی، ۱۳۸۵ش)

الجدير ذكره عن الآية السابقة الذكر أنّ (صمّ) خبر لمبتدأ محذوف تقديره (هم)، فانتبه إليه الأساتذة ياسری و... بحيث أشاروا إلی المبتدأ المحذوف بأشكال مختلفة حددناها بالأحرف المطبعية الغامقة. فالمترجم فی هذا النوع من الترجمة خلافا للترجمة الحرفية يذكر المحذوفات فی ترجمته إذ أنّه يسعی لنقل الفكرة دون الالتزام بالنصّ بينما إنّ المترجم فی الترجمة الحرفية –كما ورد فی الترجمات الآنفة الذكر – لايذكر

المحذوفات فی ترجمته وذلک لأنّ المترجم فی هذا المنهج لا ینقل إلا البناء اللغوی للأصل.

﴿قلْ مَن کاَنَ عَدُوًّا لجبرْیلَ فإِنّهُ نزّلهُ عَلَی قلبِکَ بإذنِ اللهِ مُصَدّقا لمَا بَینْ یَدَیْهِ وهُدًی وبُشرَی لِلمُؤمِنینَ﴾ (البقرة: ٩٧)

[ای پیامبر!] بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد باید بداند که [**دشمن خداوند است زیرا**] جبرئیل به فرمان خداوند قرآن را بر قلب تو نازل کرده است وقرآن مجید مؤیّد کتابهای آسمانی پیشین وهدایت وبشارتی برای مؤمنان است.» (صفار زاده، ١٣٨٠ش) ... بگو هر کس دشمن جبریل باشد (**دشمن من است**) زیرا جبرئیل... (خسروی، ١٣٩٠ش) ... بگو: هر که دشمن جبرئیل باشد پس (**دشمن خدا است، زیرا**) او بفرمان خدا قرآن را بر دل تو... (فیض الإسلام، ١٣٧٨ش) بگو ای پیغمبر هر کس با جبرئیل دشمن است **با خدا دشمن است** زیرا او به فرمان خدا قرآن را به قلب تو... (الهی قمشه ای، ١٣٧٥ش)

بگو، هر کس به جبرئیل دشمن شود از این بابت که به توکتابی نازل کرده است، **این دشمنی امر خلاف وقبیحی است،** زیرا جبرئیل... (صادق نوبری، ١٣٩٦ق) (در پاسخ یهودانی که می‌گویند ما با جبرئیل دشمنیم واز این رو تو را نیز نمی‌پذیریم) بگو: هر کس دشمن جبرئیل باشد (**اودر واقع دشمن خداست،** زیرا)... (مشکینی، ١٣٨١ش) ای پیامبر، به آنان بگو: هر کس دشمن جبرئیل است، **نباید ازکتاب الهی رویگردان شود؛** چرا که جبرئیل به اذن خدا این کتاب را بر قلب تو... (صفوی، ١٣٨٥ش) ای پیغمبر! هر کس از یهود، دشمن جبرائیل است که چرا قرآن بر تو آورد؟ بگو به او که: جبرئیل آورد قرآن را بر دل تو... (یاسری، ١٤١٥ق)

مما یثیر الانتباه عن الآیة الآنفة الذکر أنّ «جملة: (کان عدوّا...) فی محلّ رفع خبر المبتدأ (من) وجواب الشرط محذوف تقدیره فلا وجه لعداوته، أو فلیمت غیظا... إلخ.» (صافی، ١٤١٨ق، ج١: ٢٠٩) فالتفت إلیه المترجمون فی الترجمة التفسیریة إذ أشاروا إلی جواب الشرط المقدّر فی ترجمتهم ومردّ ذلک أنهم یسعون لإیصال الفکرة دون الالتزام الکامل بعدد مفردات النصّ الأصلی بحیث یوردون عادة کثیرا من الإیضاحات التی

تكمن فی روح النصّ ولا فی النسيج اللغوی منه. والجدير ذكره أنّ الأستاذ ياسری لم يذكر المحذوف فی ترجمته بحيث يدلّ ذلک علی عدم التزامه الكامل بذكر المحذوف أثناء الترجمة التفسيرية للقرآن الكريم.

۳. ترجمة أدوات التوكيد:

أمّا فيما يتعلق بترجمة أدوات التؤكيد فلايهتمّ المترجم فی هذا المنهج بترجمتها كثيرا فجُلّ ما يهمّه هو أن ينقل المعنی ولذلک تارة يترجم أدوات التؤكيد وتارة لايترجمها.

فيما يلی دراسة تطبيقية عن ترجمة بعض أدوات التؤكيد فی الترجمات التفسيرية للقرآن الكريم:

ترجمة «إنّ»:

﴿إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ (القدر: ۱)

بدرستيكه ما نازل كرديم قرآن را در شب قدر... (خسروی، ۱۳۹۰ش) **به يقين** ما اين (قرآن) را در شب قدر فرو فرستاديم... (مشكينی، ۱۳۸۱ش) **محقّقا** ما قرآن را... (فيض الإسلام، ۱۳۷۸ش) (يا محمد) **در حقيقت** ما ابتدای اين قرآن را... (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) **البته** ما فرستاديم قرآن را... (ياسری، ۱۴۱۵ق) **همانا** ما قرآن مجيد را... (صفار زاده، ۱۳۸۰ش) ما اين قرآن عظيم الشأن را در شب قدر نازل كرديم. (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) ما قرآن را در شب قدر كه امور جهان هستی در آن مقدر می گردد بر توفروفرستاديم. (صفوی، ۱۳۸۵ش)

يلاحظ أنّ الآيات السابقة الذكر قد ابتدأت بأداة التؤكيد (إنّ)، فأدركه أكثر أصحاب الترجمات التفسيرية جيدا إذ ترجموا هذا التأكيد إلی اللغة الفارسية بألفاظ مختلفة مثل: (به يقين، بدرستی كه و...)، وذلک فی حين أنّ الأستاذين الهی وصفوی، لم يترجما هذا التؤكيد مما يدلّ علی عدم التزامهما الكامل بترجمة هذا التوكيد.

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراةَ فيها هُدىً ونُورٌ...﴾ (المائدة: ۴۴)

به يقين ما تورات را فرو فرستاديم كه در آن هدايت ونور بود... (مشكينی، ۱۳۸۱ش)

ما تورات را فرستادیم که در آن هدی... (خسروی، ۱۳۹۰ش) ما تورات را نازل کرده‌ایم که در آن هدایت ونور است.... (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) ما فرستادیم تورات را که... (یاسری، ۱۴۱۵ق) ما تورات را که در آن هدایت وروشنایی (دلها) است فرستادیم... (الهی قشمه ای، ۱۳۷۵ش) پس از آن در شأن وبزرگی تورات می فرماید: ما تورات را (بر بنی اسرائیل) فرستادیم... (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش) ما تورات را که در آن هدایت ونور بود، [بر موسی] نازل فرمودیم... (صفار زاده، ۱۳۸۰ش) ما تورات را که در آن رهنمود ونوری است فروفرستادیم... (صفوی، ۱۳۸۵ش)

مما يلفت النظر أنّ الآية الآنفة الذكر قد ابتدأت بأداة التؤكيد (إنّ)، الأمر الذی يتطلب من المترجمين، نقل هذه الأداة إلى اللغة الفارسية، ولكن مع ذلک يلاحظ أنّ الأستاذ مشكينی هو الوحيد الذی أبدی هذا التأكيد فی ترجمته إذ ترجمه بـ (به يقين) ولكن سائر الأساتذة وهم: خسروی، ونوبری، و... لم يقوموا بترجمته؛ ولهذا يمكن القول بأنّ أصحاب الترجمات التفسيرية ليسوا ملتزمين بترجمة أدوات التؤكيد دائما، فتارة يترجمونها وتارة أخری يهملونها فی الترجمة.

ترجمة «إنّما»:

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وكانَ اللَّهُ عَليماً حَكيماً﴾ (النساء: ١٧)

در حقیقت، (پذیرش) توبه که (طبق وعده الهی) بر عهده خداوند است، برای کسانی است که کار زشت را از روی نادانی انجام می دهند، سپس به زودی (پیش از معاینه مرگ) توبه می‌کنند، آنهایند که خداوند توبه‌شان را می‌پذیرد، وخدا همواره دانا وحکیم است. (مشکینی، ۱۳۸۱ش) **محققا** خدا توبه آنهایی را می پذیرد که عمل ناشایسته را از روی نادانی مرتکب شوند و... (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) **جز این نیست** که پذیرفتن توبه وبازگشت، بر خدا است برای کسانی که... (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش) **همانا** بر خداست که توبه کسانی را که از راه جهالت عمل بدی بجا میآورند... (خسروی، ۱۳۹۰ش) **جز این نیست** که پذیرفتن خدا توبه را برای کسانی است که... (یاسری، ۱۴۱۵ق) **در حقیقت** قبول

توبه به خداوند تعالى لازم مى‌باشد، از اشخاصى كه... (صادق نوبرى، ١٣٩۶ق) پذيرش توبه از جانب خداوند براى افرادى است كه... (صفار زاده، ١٣٨٠ش) پذيرش توبه از سوى خدا براى كسانى است كه... (صفوى، ١٣٨۵ش)

مما يلفت النظر أنّ الآية السابقة الذكر قد ابتدأت بأداة الحصر (إنّما)، الأمر الذى انتبه إليه السادة: مشكينى والهى و... إذ أبدوا هذا التأكيد فى ترجماتهم بألفاظ مثل: (در حقيقت، ومحققا، وجز اين نيست و...) ولكن مع ذلک يلاحظ أنّ الأستاذين صفارزاده وصفوى لم يبديا هذا التؤكيد فى ترجمتهما مما يدلّ على عدم التزامهما الكامل بترجمة أدوات التوكيد.

﴿**إِنَّمَا** الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وإِذا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آياتُهُ زادَتْهُمْ إيماناً وعَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾ (الأنفال: ٢)

مؤمنان **تنها** كسانى هستند كه چون ياد خدا به ميان آيد دل‌هايشان مى‌ترسد، وچون آيات او بر آنان خوانده شود بر ايمانشان مى افزايد، وهمواره بر پروردگارشان توكّل مى‌كنند. (مشكينى، ١٣٨١ش) مؤمنان **حقيقى** آنان هستند كه چون ذكرى از خدا شود... (الهى قمشه اى، ١٣٧۵) **همانا**، مؤمنين اشخاصى هستند كه چون نام خداوند تعالى نزد آنها ذكر شد... (صادق نوبرى، ١٣٩۶ق) وأمّا مؤمنان **فقط** كسانى هستند... (خسروى، ١٣٩٠ش) ... **جز اين نيست** كه مؤمنين وگروندگان (بخدا ورسول) آنانند كه... (فيض الإسلام، ١٣٧٨ش)

البته مؤمن آنانند كه اگر ذكر خدا شود... (ياسرى، ١۴١۵ق) مومنان **راستين فقط** كسانى هستند كه وقتى... (صفوى، ١٣٨۵ش) [مؤمنان] كسانى هستند كه چون ذكر خداوند به ميان آيد... (صفار زاده، ١٣٨٠ش)

من الملاحظ أنّ الأستاذة صفارزاده هى الوحيدة التى لم تترجم أداة الحصر (إنما) مما يدلّ على أنها لاتعنى بترجمة هذه الأداة فى ترجمتها للقرآن الكريم ؛ بينما سائر المترجمين قاموا بترجمة هذا التوكيد بألفاظ مختلفة مثل: (تنها، وحقيقى، وهمانا و...)

﴿**إِنَّمَا** النَّجْوى مِنَ الشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ الَّذينَ آمَنُوا ولَيْسَ بِضارِّهِمْ شَيْئاً إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ

وعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُون﴾ (المجادلة: ١٠)

جز این نیست نجوا (یی که کافران ومنافقان انجام می‌دهند) از جانب شیطان است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند محزون ونگران کنند، حال آنکه (شیطان وآن نجواها) هیچ ضرری جز به اذن خدا بر آنها وارد نمی‌سازد، ومؤمنان باید تنها بر خداوند توکل نمایند. (مشکینی، ۱۳۸۱ش) **همیشه** نجوا وراز گفتن از (نفوس شریره) شیطان است که می‌خواهد... (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) **جز این نیست** که نجوای منافقین ویهود (برای آزار مؤمنین وغمین ساختن آنها) از وسوسه‌های شیطان است... (خسروی، ۱۳۹۰ش) **در حقیقت** (نجوا) به گناه ومعصیت ناشی از وسوسه شیطان و(نفس اماره) است... (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) **جز این نباشد** که راز گفتن (بگناه ودشمنی ونافرمانی از پیغمبر اکرم) از (وسوسه وبشر وبدی سخن گفتن) شیطان است... (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش) **جز این نیست** که: نجوا، از شیطان است... (یاسری، ۱۴۱۵ق) جز این نیست که نجوای منافقان وبیماردلان برخاسته از وسوسه های شیطان است... (صفوی، ۱۳۸۵ش) نجوا کردن از وسوسه‌های شیطان است که می‌خواهد... (صفار زاده، ۱۳۸۰ش)

يلاحظ أنّ الأستاذة صفارزاده هی الوحيدة التی لم تترجم أداة الحصر (إنما) فی الآية السابقة الذكر مما يدلّ على أنها لاتبدی انتباها كبيرا بترجمة هذه الأداة فی ترجمتها للقرآن الكريم؛ بينما سائر المترجمين يقومون بترجمة هذا التؤكيد بألفاظ مختلفة مثل: (جز این نیست، وهمیشه و...)

ترجمة «نون التوكيد»:

﴿ولَنَبْلُوَنَّكُم بِشيَءٍ مِّنَ الخَوْفِ و...﴾ (البقرة: ١٥٥)

وما **قطعاً**... (صفار زاده، ۱۳۸۰ش) **والبته** امتحان وآزمایش کنیم شما را **قطعا**... (یاسری، ۱۴۱۵ق) ... **البته**... (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) **وحتما**... (مشکینی، ۱۳۸۱ش) **هرآینه**... (فیض الإسلام، ۱۳۷۸ش) وما **البتّه** ... (خسروی، ۱۳۹۰ش) **والبته**... (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵) **قطعا**... (صفوی، ۱۳۸۵ش)

من الملاحظ فی هذه الآية أنّ أصحاب الترجمات التفسيرية أخذوا (نون التوكيد)

بعين الاعتبار أثناء الترجمة بحيث ترجموها بأشكال مختلفة منها: قطعا، والبته، وحتما، و...

﴿ولَتَجِدَنهُّمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلىَ ...﴾ (البقرة: ۹۶)

والبته آنها را حریص‌ترین مردم به... (مشکینی، ۱۳۸۱ش) **البته**... (یاسری، ۱۴۱۵ق) **والبته**... (فيض الإسلام، ۱۳۷۸ش) **وبحق سوگند**... (خسروی، ۱۳۹۰ش) **البته**... (صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) **وبر همه پیداست**... (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵)

يلاحظ أنّ الأساتذة مشكينى و... اهتموا بترجمة (نون التوكيد) بحيث ترجموها بأشكال مختلفة ميزناها فى الأمثلة الآنفة الذكر بالأحرف المطبعية الغامقة.

﴿فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (البقرة: ۱۴۷)

پس **بهیچوجه** از تردیدکنندگان نباش. (صفارزاده، ۱۳۸۰ش) **پس هرگز**... (مشکینی، ۱۳۸۱ش) **والبتّه**... (خسروی، ۱۳۹۰ش) پس **هیچ**... (الهی قمشه ای، ۱۳۷۵ش) پس تو از شک کنندگان مباش... (فيض الإسلام، ۱۳۷۸ش) يا محمد نبوت تواز طرف خداوند تعالى حقى است كه توخود نبايد از شكاكين باشى...

(صادق نوبری، ۱۳۹۶ق) پس مباش از جمله شک کنندگان. (یاسری، ۱۴۱۵ق) پس مبادا از تردیدکنندگان باشی. (صفوی، ۱۳۸۵ش)

يستنتج مما تقدّم أنّ الأساتذة صفارزاده، ومشكينى، والهى، وخسروى أبدوا عناية كبيرة بترجمة (نون التؤكيد) إذ سعوا لنقلها إلى اللغة الفارسية بأشكال مختلفة حسب سياق الجملة: (بهيچوجه، وهرگز، والبته، وهيچ)؛ بينما سائر المترجمين، وهم: فيض الإسلام، ونوبرى، وياسرى، وصفوى لم يظهروا هذا التؤكيد فى ترجماتهم مما يدلّ على عدم التزامهم بترجمة (نون التؤكيد) أثناء الترجمة التفسيرية للقرآن الكريم.

۴. توحيد الترجمة

إنّ المترجم لاينقل – أثناء الترجمة التفسيرية – البناء اللغوى للأصل، أو نسيجه اللغوى، إنه لاينقل إلا المعنى المتضمّن فى النصّ الأصلى عامة. فمن منطلق ذلك

من الطبيعى أن يلاحظ أنّ المترجم يهتمّ فى هذا المنهج بالفكرة دون ملاحظة أصول توحيد ترجمة الألفاظ والعبارات إذ إنّه يتصرّف بالنصّ القرآنى كما يراه مناسبا فى اللغة المترجم إليها.

– **توحيد ترجمة الأسماء:** فيما يلى دراسة تطبيقية لتوحيد ترجمة بعض الأسماء فى الترجمات التفسيرية:

«وَكيلٌ» فى ترجمات:

– **«الهى قمشه اى»:**

نگهبان (الأنعام: ۱۰۲)، حاكم ونگهبان (هود: ۱۲)، وكيل وگواه (يوسف: ۶۶)، وكيل (القصص: ۲۸)

– **«خسروى»:**

وكيل بر حق وحافظ ونگهبان ومتولى تمام امور ومحيط بر تمام اشياء (الأنعام: ۱۰۲)، حافظ ونگهبان ووكيل ومراقب (هود: ۱۲)، وكيل وشاهد ومراقب (يوسف: ۶۶)، (القصص: ۲۸)، نگهبان ومدبّر همه اشياء. (الزمر: ۶۲)

– **«فيض الإسلام»:**

متولّى وكارساز وحافظ ونگهبان (لأنعام: ۱۰۲)، حافظ ونگهبان (هود: ۱۲)، شاهد وگواه وحافظ ونگهبان (يوسف: ۶۶)، گواه (القصص: ۲۸)، وكيل وكارپرداز. (الزمر: ۶۲)

– **«مشكينى»:**

نگهبان ومدبّر ومتولّى نظام هر چيز (الأنعام: ۱۰۲)، ناظر ونگهبان، (هود: ۱۲)، وكيل وناظر (يوسف: ۶۶)، وكيل (القصص: ۲۸)، متكفل تدبير همه چيز. (الزمر: ۶۲)

– **«نوبرى»:**

وكيل همه چيز ومتصرف در امور (الأنعام: ۱۰۲)، وكيل (هود: ۱۲)، مراقب ومطلع (يوسف: ۶۶)، حافظ ونگهدار.(الزمر: ۶۲)

– **«صفارزاده»:**

سرپرست وحامی (الأنعام: ۱۰۲)، صاحب وسرپرست (هود: ۱۲)، شاهد (یوسف: ۶۶)، گواه (القصص: ۲۸)، سرپرست وصاحب. (الزمر: ۶۲)

- «**صفوی**»:

عهده دار (الأنعام: ۱۰۲)، کارساز وتدبیر کننده، (هود: ۱۲)، ناظر ونگهبان(یوسف: ۶۶)، شاهد (القصص: ۲۸)، کارگزار وتدبیر کننده. (الزمر: ۶۲)

- «**یاسری**»:

نگهبان (الأنعام: ۱۰۲)، وکیل. (القصص: ۲۸)

«عَزِيزٌ» فی ترجمات:

- «**خسروی**»:

بر امر خود غالب است (البقرة: ۲۰۹)، عزیز است یعنی مغلوب شدنی نیست (البقرة: ۲۴۰)، غالب بر هر أمری (الأنفال: ۱۰)، عزیز است وغالب بر هر امری است. (الأنفال: ۴۹)

- «**فیض الإسلام**»:

غالب وتوانا (البقرة: ۲۰۹)، توانا (البقرة: ۲۲۰)، قادر وتوانا (آل عمران: ۳)، غالب وچیره. (الأنفال: ۶۷)

- «**مشکینی**»:

مقتدر(البقرة: ۲۰۹)، توانا (البقرة: ۲۴۰)، مقتدر شکست‌ناپذیر (البقرة: ۲۶۰)، مقتدر غالب (المائدة: ۳۸)، غالب مقتدر (الأنفال: ۴۹)، غالب شکست‌ناپذیر. (الحج: ۷۴)

- «**یاسری**»:

غالب وقاهر (البقرة: ۲۰۹)، غالب (البقرة: ۲۲۰)، قادر (البقرة: ۲۲۸)، عزیز (البقرة: ۲۴۰)، نیرومند. (المائدة: ۳۸)

«حَلِيمٌ» فی ترجمة «صفارزاده»:

صاحب حوصله (البقرة: ۵۲۲)، مهلت دهنده (البقرة: ۵۳۲)، توقّع جبران هم ندارد (البقرة: ۳۶۲)، صاحب حلم (آل عمران: ۵۵۱)، با حوصله وبردبار (المائدة: ۱۰۱)

و....

يلاحظ أنّ الأسماء الآنفة الذكر قد وردت في كثير من الآيات القرآنية – ولا الجميع – بلفظ ومعنى واحد، ولكن مع ذلك نرى بأنّ الأساتذة الهى وخسروى و... لم يهتموا بهذا الأمر فترجموا الأسماء الإلهية المشتركة في اللفظ والمعنى بأشكال مختلفة.

«العُرْوَة الوُثقى» في ترجمات:

– **«الهى»:**

رشته محكم واستوار (البقرة: ٢٥٦)، محكم ترين رشته الهى. (لقمان: ٢٢)

– **«خسروى»:**

ريسمان محكم الهى (البقرة: ٢٥٦)، بدست آويز محكم واستوارى. (لقمان: ٢٢)

– **فيض الإسلام:**

دسته محكم واستوارى (البقرة: ٢٥٦)، دست آويز محكم واستوار (لقمان: ٢٢)، استوارترين دستاويز (البقرة: ٢٥٦)، محكم ترين دستاويز. (لقمان: ٢٢)

– **ياسرى:**

رشته محكمى (البقرة: ٢٥٦)، دست آويزى محكم. (لقمان: ٢٢)

– **مشكينى:**

دستگيره محكم (البقرة: ٢٥٦)، دستاويز محكم. (لقمان:٢٢)

– **صفار زاده:**

دستگيره‌ى محكمى (البقرة: ٢٥٦)، دستگيره استوارى. (لقمان: ٢٢)

يلاحظ أنّ مصطلح «العُرْوَةِ الوُثقى» قد تكرّر في الآيتين المذكورتين بلفظ ومعنى واحد بينما الأساتذة الهى و... قد قاموا بترجمة هذا المصطلح بشكلين مختلفين.

النتيجة

إن الترجمة التفسيرية هي أن يقرأ المترجم الجملة فيحصل معناها في ذهنه، ثم يعبّر عنها من اللغة الأخرى بجملة تطابقها. إنّ الترجمة التفسيرية مقبولة أكثر من الترجمة

الحرفية. ففى الترجمة التفسيرية لايوجد تشويه للمعنى، ولا إخلال بقوانين لغة الترجمة. مما يؤخذ على الترجمات التفسيرية هو أنّ معنى النصّ الأصلى لاينقل بدقة تامة، وأنّ قسما من المعلومات يضيع أثناء النقل الحرّ. وعندئذ، يوجد دوما خطر الانتقال إلى الحدّ الذى تتحول فيه الترجمة إلى عنديات المترجم. مما يجدر التنويه إليه أنّ المترجمين فى الترجمات التفسيرية لم يعيروا عناية بأصول توحيد ترجمة القرآن الكريم وذلک قضية هامّة يجب الانتباه.

المصادر والمراجع

آيتى، عبد المحمد. ۱۳۷۴ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: انتشارات سروش.

أرفع،سيد كاظم. ۱۳۸۱ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: موسسه تحقيقاتى وانتشاراتى فيض كاشانى.

الهى قمشه اى، مهدى. ۱۳۷۵ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: فرهنگ.

أنصارى خوشابر، مسعود. ۱۳۷۷ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: نشر وپژوهش فرزان روز.

أنصاريان، حسين. ۱۳۸۳ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: انتشارات اسوه.

بروجردى، سيد محمد ابراهيم. ۱۳۶۶ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: انتشارات صدر.

بهرام پور، ابوالفضل. ۱۳۸۳ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: انتشارات هجرت.

پاينده، ابوالقاسم. لاتا. *ترجمه ی قرآن*. لانا.

پورجوادى، كاظم.۱۴۱۴ق. *ترجمه ی قرآن*. تهران: بنياد دائرة المعارف اسلامى.

حلبى، على أصغر. ۱۳۸۰ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: انتشارات اساطير.

رضايى اصفهانى، محمد على وهمكاران. ۱۳۸۳ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: موسسه تحقيقاتى فرهنگى دارالذكر.

رهنما، زين العابدين. ۱۳۴۶ش. *ترجمه وتفسير قرآن*. تهران: انتشارات كيهان.

صافى، محمود بن عبدالحيم. ۱۴۱۸ق. *الجدول فى إعراب القرآن*. دمشق: دار الرشيد مؤسسة الإيمان.

صفارزاده، طاهرة. ۱۳۸۰ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: موسسه فرهنگى جهان رايانه كوثر.

صفوى، محمد رضا. ۱۳۸۵ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: إسراء.

الطباطبائى، سيد محمد حسين. ۱۴۱۷ق. *الميزان فى تفسير القرآن*. قم: منشورات جامعة المدرسين فى الحوزة العلمية.

فولادوند، محمدمهدی. ۱۳۸۴ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: دفتر تبليغات اسلامی حوزه ی علميه.
فيض الإسلام، سيدعلی نقی. ۱۳۷۸ش. *ترجمه وتفسير قرآن عظيم*. تهران: انتشارات فقيه.
مجتبوی، سيد جلال الدين. ۱۳۷۱ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: انتشارات حكمت.
مريم سلامة، كار. ۱۹۹۸م. *ترجمة نجيب غزاوی*. مدرسة حنين بن إسحاق وأهميتها فی الترجمة. دمشق: منشورات وزارة الثقافة فی الجمهورية العربية السورية.
مشكينی، علی. ۱۳۸۱ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: الهادی.
مصباح زاده، عباس. ۱۳۸۰ش. *ترجمه ی قرآن*. تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاويدان.
معزی، محمدكاظم. ۱۳۷۲ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: انتشارات اسوه.
مكارم شيرازی، ناصر. ۱۳۷۳ش. *ترجمه ی قرآن*. قم: دار القرآن الكريم.
ميرزا خسروانی، عليرضا. ۱۳۹۰ق. *تفسير خسروی*. تهران: انتشارات اسلاميه.